

## بررسی میزان آشنایی و نگرش اعضای هیات علمی نسبت به جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی در دانشگاه علوم پزشکی تهران

محمد هیوا عبدخدا<sup>۱</sup>، محمدرضا علی بیگ<sup>۲</sup>، آغافاطمه حسینی<sup>۳</sup>،  
سامان راوند<sup>۴</sup>، مسعود محمدی<sup>۵</sup>، جواد زارعی<sup>۶</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** جنبش دسترسی آزاد نهضت نوظهوری در ارتباطات علمی است که نیازمندان اطلاعاتی برای دسترسی به یافته‌های علمی محدودیتی ندارند و هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان آشنایی و نگرش اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران نسبت به جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی انجام شد. **روش بررسی:** روش پژوهش پیمایشی از نوع توصیفی بود. جامعه مورد پژوهش اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران بودند که ۱۶۳ نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه بود که روایی و پایایی آن سنجیده شد. داده‌ها پس از گردآوری و تحلیل به وسیله روش‌های آماری توصیفی و استنباطی و نرم افزار SPSS تحلیل شد.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد در مجموع ۵۰ درصد (۸۳ نفر) از جامعه با جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی آشنایی متوسط و متوسط به بالا دارند. میزان آشنایی جامعه با روش‌های دسترسی آزاد به اطلاعات علمی نیز در حد متوسط است. بیش از ۷۰ درصد (۱۱۴ نفر) از جامعه نسبت به جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی نگرش مثبت دارند.

**نتیجه‌گیری:** میزان آشنایی اعضای هیات علمی با جنبش دسترسی آزاد نسبتاً پایین است، اما یافته‌ها نشان می‌دهد بعد از آگاهی‌رسانی کلی در این خصوص به آن‌ها، نگرش اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران نسبت به جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی مثبت است. بنابراین جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی می‌تواند جایگزین مناسبی در روش‌های ارتباط علمی باشد.

**واژه‌های کلیدی:** نگرش، دسترسی آزاد به اطلاعات علمی، ارتباطات علمی، اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

\* نویسنده مسئول :

محمد هیوا عبدخدا؛

مرکز تحقیقات علوم مدیریت و

اقتصاد سلامت دانشگاه علوم

پزشکی ایران

Email :  
Abdekhoda@razi.tums.  
ac.ir

- دریافت مقاله : اسفند ۱۳۹۱ - پذیرش مقاله : آبان ۱۳۹۲

### مقدمه

پژوهشگران تحقیقات خود را به قصد تولید دانش انجام می‌دهند. بنابراین دیگر دانشمندان و محققان برای رصد دانش جدید باید به نتایج تحقیقات پیشین و پژوهش‌های موجود دسترسی داشته باشند و از آن استفاده نمایند. به بیان دیگر ارتباطات علمی و فرایند آن مسئله بسیار مهمی در بقای چرخه تولید علم و به تبع آن تولید دانش است (۱). مطالعات نشان داده‌اند

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت اطلاعات سلامت، مرکز تحقیقات علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

<sup>۲</sup> مربی گروه کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

<sup>۳</sup> مربی گروه آمار زیستی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

<sup>۴</sup> کارشناس ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

<sup>۵</sup> مربی گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آبدان، آبدان، ایران

<sup>۶</sup> دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت اطلاعات سلامت، گروه مدیریت اطلاعات سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

روبه‌رو شد که بعدها نقش آن را کم‌رنگ ساخت. به نظر می‌رسد ناشران و مولفان منابع چاپی و غیر چاپی از عمده‌ترین گروه‌هایی بودند که با این جنبش مخالفت کردند و دلیل مخالفت آنان روشن است (۶ و ۵ و ۲). به نظر می‌رسد جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات، قبل از پرداختن به موانعی که بر سر راهش وجود دارد، نیازمند تبلیغات فرهنگی و نهادینه شدن در بطن عناصر ارتباطات علمی و از جمله مهمترین این عناصر تولیدکنندگان اطلاعات علمی است.

از آنجائیکه اعضای هیات علمی به عنوان بارزترین عنصر تولید اطلاعات علمی مطرح هستند، انتظار می‌رود که سهم بیشتری در ارتباطات علمی داشته باشد و عطف به این مسئله که برقراری ارتباطات علمی مستلزم ایجاد نگرش از جمله پذیرش جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی است (۷)، پژوهش حاضر به منظور پاسخگویی به این پرسش انجام شد که جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی در بین اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران چه جایگاهی دارد و چه راهبردهایی برای الحاق جامعه نیازمند اطلاعاتی به مجراهای ارتباطات علمی با دسترسی آزاد، می‌توان پیشنهاد کرد؟ بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی میزان آشنایی و نگرش اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران نسبت به جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی در سال ۱۳۹۱ بود.

### روش بررسی

روش پژوهش پیمایشی از نوع توصیفی بود. جامعه مورد پژوهش عبارت بودند از اعضای هیات علمی دانشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی دانشگاه علوم پزشکی تهران که تعداد آن‌ها ۱۲۰۰ نفر بودند. در این مطالعه اعضای هیات علمی بیمارستان‌ها به علت عدم

ارتباطات علمی در حال حاضر دچار دو مانع است: یکی بحران قیمت و دیگری بحران اجازه. بحران قیمت یعنی استفاده‌کنندگان باید قیمت‌های گزاف برای دسترسی به محتوای مجله‌ها بپردازند و بحران اجازه بدین معنی است که علی‌رغم هزینه پرداخت شده موانع قانونی و فنی، نیازمندان اطلاعاتی را در استفاده از نسخه‌های الکترونیکی مجله‌ها محدود می‌کنند (۲). هم‌اکنون دسترسی به بسیاری از پایگاه‌های اطلاعاتی علمی مستلزم صرف هزینه‌های بسیار است و این امر در کشورهای در حال پیشرفته به یک مشکل اساسی تبدیل شده است تا جائیکه دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی علمی محدود و در مواردی قطع شده است. از سوی، قیمت پایگاه‌های اطلاعاتی روز به روز در حال افزایش است و از طرفی دیگر به علت بحران اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، بتدریج از بودجه لازم برای تامین منابع کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی کاسته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت در یک دهه پیشرو بدون حرکت به سوی روش‌های جدید دسترسی آزاد به اطلاعات علمی، پژوهشگران برای تامین اطلاعات مورد نیاز خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهند بود (۳). در سال‌های اخیر جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات به عنوان نهضت جدیدی برای حل مشکلات موجود و تلاش در جهت بهبود فرایند ارتباطات علمی مطرح شد. این روش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی را تسهیل می‌کند (۴). به بیان دیگر، دسترسی آزاد مدل جدیدی از نشر علمی است که خوانندگان یا موسسات آنان برای دسترسی، بارگذاری و تکثیر و توزیع مقاله‌ها و یافته‌های تحقیقات خود هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند. این جنبش در ابتدای ظهور خود توسط جریان ارتباطات عملی از آن استقبال به عمل آمد، اما بتدریج با موانع و مشکلاتی

فعلی به تایید ۸ نفر از اعضای هیات علمی گروه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی و مدیریت اطلاعات سلامت دانشگاه علوم پزشکی تهران رسید. پایایی پرسشنامه نیز به کمک روش آلفای کرونباخ سنجیده شد و به تایید رسید ( $\alpha=0/9$ ). در این مطالعه متغیرهای وابسته عبارت بودند از میزان آشنایی و نگرش اعضای هیات علمی با جنبش دسترسی آزاد؛ و متغیرهای مستقل شامل دسترسی آزاد، موانع دسترسی، بحران اجازه و بحران قیمت بودند. برای تبدیل مقادیر کیفی موجود در پرسشنامه به مقادیر کمی، از طیف لیکرت استفاده شد. به اینصورت که به گزاره‌های بسیار زیاد، زیاد، کم، بسیار کم و آشنایی ندارم به ترتیب ارزش‌های ۵-۴-۳-۲-۱ اختصاص داده شد. در بخش دیگری از سوالات پرسشنامه برای تبدیل مقادیر کیفی به مقادیر کمی به ترتیب به گزاره‌های کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم به ترتیب ارزش‌های ۵-۴-۳-۲-۱ اختصاص داده شد. میانگین ضریب پاسخ‌دهی به سوالات بخش‌های مختلف پرسشنامه بالاتر از ۸۵ درصد بود. داده‌ها پس از گردآوری و ورود به نرم افزار آماری SPSS در هر مرحله، توسط روش‌های آماری توصیفی و استنباطی تحلیل شدند و در جهت پاسخگویی به سوالات پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند.

دسترسی آسان به آن‌ها از مطالعه حذف شدند. روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای بود به این صورت که تعداد ۱۲۰۰ نفر اعضای هیات علمی دانشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی دانشگاه علوم پزشکی تهران بعنوان جامعه پژوهش تعیین شدند و طی چند مرحله و به طور تصادفی و دسترسی آسان، تعدادی از آن‌ها جهت تکمیل پرسشنامه و پاسخگویی به سوالات آن انتخاب شدند. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه و تعداد آن از فرمول تعیین حجم نمونه در جامعه محدود استفاده شد. در نهایت تعداد حجم نمونه در این پژوهش با احتساب ضریب ۱/۲ به عنوان اثر طرح، ۱۶۳ نفر محاسبه گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته حاوی سه بخش جداگانه و در برگزیده سوالات بسته و باز بود. بخش اول پرسشنامه به گردآوری اطلاعات دموگرافیک اختصاص داشت. بخش دوم آن، به بررسی میزان آشنایی اعضای هیات علمی با جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی می‌پرداخت. بخش سوم پرسشنامه مشتمل بر بررسی نگرش اعضای هیات علمی نسبت به جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات بود که در ابتدای آن بخشی به عنوان راهنمایی در خصوص تعریف، اهداف و کلیات جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی گنجانده شده بود. روایی پرسشنامه در مطالعه

## یافته‌ها

### جدول ۱: مشخصات دموگرافیک و آمدهای مورد پژوهش

مشخصات دموگرافیک	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
زن	۷۰	۴۲/۹		
مرد	۸۶	۵۲/۸		
جمع	۱۵۶	۱۰۰		

		۹/۲	۱۵	۲۵-۳۴	
		۲۹/۴	۴/۸	۳۵-۴۴	
		۳۶/۲	۵۹	۴۵-۵۴	
۸/۸۵	۴۵/۸	۱۳/۵	۲۲	۵۵-۶۴	سن (سال)
		۲/۵	۴	≥ ۶۵	
		۱۰۰	۱۴۸	جمع	
		۱۵/۳	۲۵	کارشناسی ارشد	
		۸۰/۴	۱۳۱	دکتری	مدرک تحصیلی
		۱۰۰	۱۵۶	جمع	
		۱۶/۶	۲۷	مریی	
		۳۸/۷	۶۳	استادیار	
		۲۳/۹	۳۹	دانشیار	مرتبه علمی
		۱۲/۳	۲۰	استاد	
		۱۰۰	۱۴۹	جمع	
		۲۳/۹	۳۹	۱-۹	
		۲۷	۴۴	۱۰-۱۹	
۸/۹	۱۶	۳۰/۱	۴۹	۱۰-۲۹	سابقه تدریس (سال)
		۵/۵	۹	≥ ۳۰	
		۱۰۰	۱۴۱	جمع	

نفر) جامعه مورد مطالعه دارای مدرک تحصیلی دکتری هستند.

یافته‌های جدول در بخش مرتبه علمی واحدهای مورد پژوهش حاکی از آن است که بیشترین افراد پاسخ‌گو به سولات پرسشنامه دارای درجه استادیاری هستند و کمترین تعداد درجه استادی دارند. ۱۱ نفر به سوال فوق پاسخ ندادند.

افراد شرکت‌کننده در این مطالعه دارای میانگین ۱۶ سال سابقه تدریس هستند. بالاترین سابقه تدریس ۴۰ سال و کمترین سابقه یک سال بود.

یافته‌های این جدول در بخش جنسیت واحدهای مورد پژوهش نشان می‌دهد تقریباً تعداد افراد شرکت‌کننده در این مطالعه از لحاظ توزیع جنسیتی برابر هستند هر چند تعداد مردان شرکت‌کننده بیش از زنان شرکت‌کننده در این پژوهش بوده‌اند.

میانگین سنی جامعه شرکت‌کننده ۴۵ سال است. بیشترین افراد شرکت‌کننده در این مطالعه در فاصله سنی ۴۵-۵۴ سال قرار گرفته‌اند و تنها ۲/۵ درصد (۴ نفر) از افراد شرکت‌کننده بیش از ۶۵ سال سن دارند. سایر یافته‌ها نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد (۱۳۱)

جدول ۲: توزیع فراوانی میزان آشنایی و آمدهای مورد پژوهش با جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی

میزان آشنایی	بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		آشنایی ندارم		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی	۸	۴/۹	۲۷	۱۶/۶	۵۳	۳۲/۵	۱۹	۱۱/۷	۵۱	۳۱/۳	۱۵۸
پایگاه‌های اطلاعاتی با دسترسی آزاد	۱۲	۷/۴	۵۵	۳۳/۷	۵۴	۳۳/۱	۱۵	۹/۲	۲۴	۱۴/۷	۱۶۰
شیوه‌های دسترس آزاد به مقالات علمی	۸	۴/۹	۵۲	۳۱/۹	۶۶	۴۰/۵	۲۱	۱۲/۹	۱۳	۸	۱۶۰

در خصوص پایگاه‌های اطلاعاتی بیش از ۴۰ درصد (۶۷ نفر) در حد «بسیار زیاد» یا «زیاد» آشنایی دارند و بیش از ۲۳ درصد (۳۹ نفر) آشنایی کم، یا اصلاً آشنایی ندارند. بیش از ۷۵ درصد (۱۲۶ نفر) از جامعه مورد پژوهش در خصوص شیوه‌های دسترسی آزاد به مقالات علمی آشنایی متوسط به بالا دارند. در مجموع میزان آشنایی با پایگاه‌های اطلاعاتی با امکان دسترسی آزاد بیشتر از دو مورد دیگر است.

یافته‌های این جدول نشان می‌دهد در حدود یک سوم از واحدهای مورد پژوهش با جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی آشنایی ندارند. در حدود یک سوم آن‌ها آشنایی متوسط دارند و در مجموع در حدود ۴۰ درصد (۷۰ نفر) از آن‌ها با جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی آشنایی کم دارند یا اصلاً آشنایی ندارند. تنها ۴/۹ درصد (۸ نفر) از پاسخ‌گویان در این خصوص آشنایی زیادی داشتند.

جدول ۳: توزیع فراوانی میزان آشنایی جامعه مورد پژوهش با شیوه‌های دسترسی آزاد به اطلاعات علمی

میزان آشنایی	بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		آشنایی ندارم		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
خود انتشاری	۸	۴/۹	۱۷	۱۰/۴	۸۵	۵۲/۱	۱۱	۶/۷	۴۰	۲۴/۵	۱۶۱
مجلات با دسترسی رایگان	۱۴	۸/۶	۴۹	۳۰/۱	۶۶	۴۰/۵	۱۴	۸/۶	۱۹	۱۱/۷	۱۶۲
آرشیو موضوعی	۱۰	۶/۱	۴۸	۲۹/۴	۷۴	۴۵/۴	۱۰	۱/۶	۲۰	۱۲/۳	۱۶۲

یافته‌ها نشان می‌دهد بیش از ۴۰ درصد (۶۶ نفر) جامعه مورد پژوهش با شیوه خودانتشاری آشنایی متوسط و متوسط به پایین دارند تنها هشت نفر از آن‌ها با این شیوه آشنایی «بسیار زیاد» دارند. سایر یافته‌ها نشان می‌دهد بیش از ۴۰ درصد (۶۶ نفر) پاسخ‌گویان با مجلات دسترسی آزاد (رایگان) در حد متوسط آشنایی دارند و بیش از ۵۰ درصد (۱۲۲ نفر) آن‌ها با آرشیو موضوعی آشنایی در حد متوسط و

یافته‌ها نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد (۱۳۶ نفر) جامعه مورد پژوهش با شیوه خودانتشاری آشنایی متوسط و متوسط به پایین دارند تنها هشت نفر از آن‌ها با این شیوه آشنایی «بسیار زیاد» دارند. سایر یافته‌ها نشان می‌دهد بیش از ۴۰ درصد (۶۶ نفر) پاسخ‌گویان با مجلات دسترسی آزاد (رایگان) در حد متوسط آشنایی دارند و بیش از ۵۰ درصد (۱۲۲ نفر) آن‌ها با آرشیو موضوعی آشنایی در حد متوسط و

دوم پرسشنامه، بخشی به عنوان راهنما به تعریف، بیان اهداف و کلیات جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی پرداخته بود تا باعث آشنایی پایه اعضای هیات علمی با مفهوم جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی شود.

متوسط به بالا دارند. در مجموع میزان آشنایی با مجلات با امکان دسترسی رایگان بیشتر از میزان آشنایی واحدهای پژوهش با «خود انتشاری» و «آرشیو موضوعی» است. یافته‌های مطالعه در بخش دوم در ادامه آمده است. لازم به یادآوری است که در بخش

#### جدول ۴: توزیع فراوانی نگرش‌ها و امدهای مورد پژوهش نسبت به جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی

نگرش نسبت به ...		کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالفم		کاملاً مخالفم		جمع	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۷۵	۴۶/۵	۶۵	۳۹/۹	۱۸	۱۱	۴	۲/۵	۱	۶	۱۶۳	۱۰۰		
۳۲	۱۹/۶	۷۵	۴۶	۴۲	۲۵/۸	۱۲	۷/۴	۰	۰	۱۶۱	۹۸/۸		
۴۱	۲۵/۲	۸۱	۴۹/۷	۳۲	۱۹/۶	۷	۴/۳	۶	۱	۱۶۲	۹۹/۴		
۴۱	۲۵/۲	۷۴	۴۵/۴	۴۰	۲۴/۵	۷	۴/۳	۰	۰	۱۶۲	۹۹/۴		

مقالات علمی از طریق آرشیو موضوعی» نگرش مثبت دارند.

سایر یافته‌ها نشان می‌دهد بیش از ۵۰ درصد (۸۲ نفر) از واحدهای مورد پژوهش معتقدند دسترسی رایگان به مقالات علمی باعث افزایش خوانندگان می‌شود. بیش از ۸۰ درصد (۱۳۹ نفر) آن‌ها معتقدند دسترسی رایگان به مقالات علمی استناد به مقاله را زیاد می‌کند. سایر یافته‌ها نشان می‌دهد در حدود ۴۵ درصد (۷۴ نفر) از پاسخ‌گویان در خصوص اینکه «دسترسی رایگان به مقالات علمی منجر به انتشار مقالات علمی بیشتری می‌شود»، نگرش مثبتی دارند. تنها کمتر از یک

یافته‌ها نشان می‌دهد بیش از ۷۵ درصد (۱۴۰ نفر) از جامعه مورد پژوهش نسبت به «اشاعه و گسترش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی» نگرش مثبت دارند و تنها یک نفر از آن‌ها با این پدیده «کاملاً مخالف» است. در خصوص «در دسترس قرار دادن مقالات علمی با شیوه خود انتشاری» بیش از ۴۵ درصد (۱۰۷ نفر) از پاسخ‌گویان با این قضیه موافق هستند و تنها ۷/۴ درصد (۱۲ نفر) از آن‌ها در این خصوص نگرش منفی دارند. بیش از ۵۰ درصد شرکت‌کنندگان در این مطالعه نسبت به مقوله «در دسترس قرار دادن مقالات علمی از طریق مجله رایگان» و «در دسترس قرار دادن

آزاد به اطلاعات علمی در کشورهای درحال توسعه کم است (۱۴).

با بررسی مطالعات انجام شده در این حوزه، نتایج اکثر پژوهش‌های انجام شده به اتفاق نشان داد میزان آشنایی با جنبش دسترسی آزاد پایین است. اما مطالعه Pelizzari E (۲۰۰۵) که به بررسی نگرش و میزان آشنایی اعضای هیات علمی دانشگاه Brescia با جنبش دسترسی آزاد پرداخت، بر خلاف همه مطالعات نشان داد میزان آشنایی با جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی در میان اعضای هیات علمی این دانشگاه بالا است (۱۵). Swan & Brown (۲۰۰۴) نیز در مطالعه خود به نتیجه‌ای شبیه با مطالعه Pelizzari E (۲۰۰۵) رسیده بودند (۱۶). این تفاوت ممکن است تا حدی ناشی از این مساله باشد که گفتمان جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی از انگلستان سرچشمه گرفته و دوم اینکه انتظار می‌رود در خصوص میزان آشنایی با جنبش دسترسی آزاد بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تفاوتی وجود داشته باشد.

سایر یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد بیش از ۸۰ درصد جامعه مورد مطالعه با شیوه خود انتشاری آشنایی متوسط و متوسط به پایین دارند. بیش از ۴۰ درصد پاسخ‌گویان با مجلات دسترسی آزاد (رایگان) در حد متوسط آشنایی دارند و بیش از ۵۰ درصد آن‌ها با آرشیو موضوعی آشنایی در حد متوسط و متوسط به بالا دارند. در مجموع میزان آشنایی با مجلات با امکان دسترسی رایگان بیشتر از میزان آشنایی واحدهای پژوهش با «خود انتشاری» و «آرشیو موضوعی» بود (جدول ۳). نتایج مطالعه قانع (۲۰۰۶) در این خصوص نشان داد ۳۹ درصد از پاسخ‌گویان با مجلات دسترسی آزاد آشنایی زیاد و بسیار زیاد دارند. میزان آشنایی ۲۶ درصد از آنها کم است و ۳۰

پنجم شرکت‌کنندگان معتقدند دسترسی رایگان به مقالات علمی در بهبود و ارتقای کیفیت سایر مقالات تأثیر ندارد.

## بحث

یافته‌ها نشان داد در مجموع ۵۰ درصد (۸۳ نفر) از جامعه با جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی آشنایی متوسط و متوسط به بالا دارند. در خصوص پایگاه‌های اطلاعاتی بیش از ۴۰ درصد در حد بسیار زیاد یا زیاد آشنایی دارند و بیش از ۲۳ درصد آشنایی کم، یا اصلاً آشنایی ندارند. بیش از ۷۵ درصد از جامعه مورد پژوهش در خصوص شیوه‌های دسترسی آزاد به مقالات علمی آشنایی متوسط به بالا داشتند. در مجموع میزان آشنایی با پایگاه‌های اطلاعاتی با امکان دسترسی آزاد بیشتر از دو مورد دیگر بود. نتایج یافته‌های قانع ۲۰۰۶ نیز نشان داد میزان آشنایی اعضای هیات علمی با جنبش دسترسی آزاد در حد مطلوبی نبوده است (۸). نتایج مطالعه زوارقی (۱۳۸۸) که در آن به بررسی میزان آشنایی دانشجویان دانشگاه تبریز با جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی پرداخته بود نیز نشان داد در مجموع میزان آشنایی دانشجویان با این مفهوم اندک است (۹). پژوهش Woodward (۱۹۹۷) نشان داد ۶۰ درصد از دانشجویان مورد پژوهش به دلیل آشنا نبودن با مجله‌های الکترونیکی با دسترسی آزاد، به استفاده از آن توجه چندانی نشان نمی‌دهند (۱۰).

Daisy Ouya (۲۰۰۵)، Hernandez-Borges (۲۰۰۶)، شایگان‌نیا و دیگران (۱۳۸۳) در پژوهش‌های خود به نتایجی کم و بیش شبیه با نتایج پژوهش‌های ارائه شده رسیدند (۱۱-۱۳). نتایج مطالعه God و دیگران (۲۰۰۳) یافته‌های این مطالعه و سایر مطالعات را تایید می‌کند. مطالعه آن‌ها نشان داد میزان آشنایی با جنبش دسترسی

دسترس قرار دادن مقالات علمی از طریق مجله رایگان» و «در دسترس قرار دادن مقالات علمی از طریق آرشیو موضوعی» نگرش مثبت دارند (جدول ۴). مطالعه قانع (۲۰۰۶) بیان می‌کند علی‌رغم اینکه میزان آشنایی با جنبش دسترسی آزاد در بین اعضای هیات علمی دانشگاه شیراز کم است اما ۹۲ درصد از آن‌ها نسبت به جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی نگرش مثبت دارند. سایر یافته‌های مطالعه وی نشان داد ۶۲ درصد از آن‌ها با در دسترس قرار دادن مقالات علمی خود با شیوه دسترسی آزاد کاملاً موافق هستند (۳). مطالعه Creaser (۲۰۱۰) به این نتیجه رسید که تنها درصد بسیار کمی از نویسندگان (۵ درصد) نسبت به جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی نگرش مثبتی ندارند (۱۹). Swan & Brown (۲۰۰۴) نیز به این نتیجه رسیدند که در مجموع نگرش در خصوص جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی، نگرش مثبتی است (۱۶).

یافته‌های دیگر این مطالعه نشان داد بیش از ۵۰ درصد از اعضای هیات علمی معتقدند دسترسی رایگان به مقالات علمی باعث افزایش خوانندگان می‌شود. بیش از ۸۰ درصد آن‌ها معتقدند دسترسی رایگان به مقالات علمی استناد به مقاله را زیاد می‌کند. Daisy Ouya و همکاران (۲۰۰۵) که در مطالعه خود به بررسی نگرش اعضای هیات تحریریه مجلات آفریقایی نسبت به پارادایم دسترسی آزاد به اطلاعات علمی پرداخته بودند به این نتیجه رسیدند که اعضای هیات تحریریه مجلات معتقدند در مجلات با دسترسی رایگان شانس استناد به مقاله افزایش می‌یابد (۱۱). نوروزی (۲۰۰۷) این مساله را که مجلات با دسترسی رایگان شانس بیشتری برای مورد استناد واقع شدن دارند، را یکی از نکات مثبت جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات بر می‌شمارد (۷). سایر یافته‌های مطالعه حاضر نشان

درصد از آنها تقریباً هیچ‌گونه آشنایی با این مقوله ندارند. نتایج مطالعه وی در خصوص میزان آشنایی اعضای هیات علمی دانشگاه شیراز با آرشیو موضوعی نشان داد ۷۴ درصد از آن‌ها با مقوله آرشیو موضوعی آشنایی ندارند و تنها ۲۵ درصد از اعضای هیات علمی با شیوه خودانتشاری آشنایی زیاد و بسیار زیاد دارند (۳). نتایج بررسی Lawal (۲۰۰۲) نشان داد ۱۸ درصد از محققان حداقل از یک آرشیو مدارک الکترونیکی استفاده می‌کنند و ۸۲ درصد آنان از هیچ آرشیوی استفاده نمی‌نمایند (۱۷). Andrew (۲۰۰۳) به این نتیجه رسید که همبستگی مستقیمی بین تمایل به خودانتشاری و وجود آرشیوهای موضوعی برقرار است. اکثر واحدهای دانشگاهی که درصد بالایی از محققان آن‌ها خودانتشاری انجام داده‌اند، دارای آرشیو موضوعی تثبیت شده‌ای هستند (۱۸).

Claire Creaser (۲۰۱۰) که در مطالعه خود به بررسی نگرش و میزان آشنایی نویسندگان مقالات با جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی پرداخته بود به این نتیجه رسید که در مجموع میزان آشنایی جامعه مورد پژوهش با مفاهیمی همچون آرشیو موضوعی و خود انتشاری در سطح پایینی است اما همچنان که در ادامه بدان اشاره خواهد شد، پاسخ‌گویان نسبت به جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات عملی در کل نگرش مثبتی داشتند و از آن استقبال می‌کردند (۱۹).

سایر یافته‌ها نشان داد بیش از ۷۵ درصد از جامعه مورد پژوهش نسبت به «اشاعه و گسترش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی» نگرش مثبت دارند و تنها یک نفر از آن‌ها با این پدیده کاملاً مخالف است. در خصوص «در دسترس قرار دادن مقالات علمی با شیوه خود انتشاری» بیش از ۴۵ درصد از پاسخ‌گویان با این قضیه موافق هستند و بیش از ۵۰ درصد شرکت‌کنندگان در این مطالعه نسبت به مقوله «در

نتایج این تحقیق نشان داد میزان آشنایی اعضای هیات علمی مورد بررسی با جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی نسبتاً پایین است اما علی‌رغم این مساله نسبت به اهداف و کلیات این پارادایم نوظهور نگرش مثبتی دارند و از آن استقبال می‌کنند. از آنجائیکه نگرش اعضای هیات علمی در این پژوهش و نویسندگان و تولیدکنندگان مقالات علمی در سایر مطالعات، نسبت به جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی نگرش مثبتی بود، بنابراین می‌توان گفت «جنبش دسترسی آزاد به اطلاعات علمی» می‌تواند ارتباطات علمی را وارد دوران جدیدی از حیات خود کند که در آن ردپایی از بحران اجازة و بحران قیمت دیده نشود یا این موانع به حداقل برسند. البته این مهم نیازمند برنامه‌ریزی صحیح و کارشناسانه، آماده ساختن زیرساخت‌های لازم از جمله راه‌اندازی شبکه جهانی علمی به کمک خطوط پرسرعت اینترنت؛ حمایت بی‌قید و شرط حق‌مؤلف از تولیدکنندگان مقالات علمی و اجرای قانون کپی رایت، نهادینه شدن اخلاق پژوهشی در جریان ارتباطات علمی، عدم انحصار اطلاعات حاصل از تحقیق و یافته‌های علمی آن، جلوگیری از تشدید نظریه «اطلاعات علمی به عنوان کالای اقتصادی»؛ و مواردی از این دست است. به نظر می‌رسد تا رسیدن به این وضعیت راه دور و درازی پیش‌روی ارتباطات علمی در جهان علم و علمی‌الخصوص پیش‌روی کشورهای در حال توسعه باشد.

می‌دهد در حدود ۴۵ درصد از پاسخ‌گویان در خصوص اینکه «دسترسی رایگان به مقالات علمی منجر به انتشار مقالات علمی بیشتری می‌شود»، نگرش مثبتی دارند. تنها کمتر از یک پنجم شرکت‌کنندگان معتقدند دسترسی رایگان به مقالات علمی در بهبود و ارتقای کیفیت سایر مقالات تاثیر ندارد. بر اساس مطالعه حاضر و سایر مطالعات انجام شده در این حوزه از جمله مطالعات Ouya (۲۰۰۵)، نوروزی (۲۰۰۷) و قانع (۲۰۰۶) می‌توان گفت انتشار مجلات در قالب دسترسی آزاد علاوه بر اینکه باعث افزایش خوانندگان آن‌ها خواهد شد میزان استناد به مقالات مجلات را به طرز چشم‌گیری تحت تاثیر قرار خواهد داد (۱۱ و ۳).

### نتیجه‌گیری

جنبش دسترسی آزاد، مدل جدیدی از نشر علمی است که خوانندگان یا موسسات آنان برای دسترسی، بارگذاری و تکثیر و توزیع مقاله‌ها و یافته‌های تحقیقات خود هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند. به بیان دیگر تلاشی است که به کمک آن بتوان بر دو بحران اجازة و قیمت در دسترسی به منابع علمی فائق آمد. بنابراین به نظر می‌رسد در یک دهه پیش‌رو بدون حرکت به سوی پارادایم‌های جدید دسترسی به اطلاعات علمی، پژوهشگران برای تامین اطلاعات مورد نیاز خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهند بود.

### منابع

1. Noruzi A. Open access journals and their role in spreading knowledge and scientific progress in Iran. Rahyaft 2008; 1(38): 21-55[Article in Persian].
2. Hasanzadeh M & Kanani Hochghan F. Barriers to open access scientific journal - from the publishers of Iran. Library & Information Science 2010; 13(1): 49-51[Article in Persian].

3. Ghane M. Archiving of electronic documents: a new way of communication. *Informology* 2005; 2(2): 77-100[Article in Persian].
4. Tonta Y, Unal Y & Al U. The research impact of open access journal articles 2007, Austria: International Conference on Electronic Publishing, 2007.
5. Ghaneh M. Review of barriers to open access to the university faculty, to provide scientific information and scholarly communication model for Iran[Thesis in Persian]. Tehran: Tehran University; 2009.
6. Suber P. Removing the barriersto research: an introduction to open access for librarians. *College & Research Libraries News* 2003; 64(2): 92-94.
7. Noruzi A. Open Access Journals: A Pathway to Scientific Information in Iran. Available at: [http://elpub.scix.net/cgi-bin/works/Show?164\\_elpub2007](http://elpub.scix.net/cgi-bin/works/Show?164_elpub2007). 2007.
8. Ghane M. A survey of open access barriers to scientific information: providing an appropriate pattern for scientific communication in Iran. *Grey Journal Amsterdam* 2006; 2(1): 35-42.
9. Zavaraghi R. Attitudes of Tabriz University graduate students to the concept of open access to scientific literature. *Library & Information Science* 2010; 12(3): 209-32[Article in Persian].
10. Woodward H. Electronic journals in an academic library environment. *Serials: The Journal for the Serials Community* 1997; 10(1): 53-7.
11. Ouya D & Smart P. Open Access survey of Africa-published journals. *INASP* 2006; 7(1): 35.
12. Hernández Borges AA, Cabrera Rodríguez R, Montesdeoca Melián A, Martínez Pineda B, de Arcaya MLTÁ & Jiménez Sosa A. Awareness and attitude of Spanish medical authors toopen access publishing and the “author pays” model. *Journal of the Medical Library Association* 2006; 94(4): 449.
13. Shygannia Z. The tendency of faculty and graduate students at the university of Isfahan about electronic and print journals and factors effect thier viwe, Isfahan: 6th Conferance of Medical Library and Information Science; 2005.
14. Gadd E, Oppenheim C & Probeta S. RoMEO Studies 1: The impact of copyright ownership on academic author self-archiving. *Journal of Documentation* 2003; 59(3): 243-77.
15. Pelizzari E. Academic staff use, perception and expectations about open-access archives: a survey of social science sector at Brescia university. Available at: <http://eprints.rclis.org/4408/>. 2003.
16. Swan A & Brown S. JISC/OSI journal authors survey report. JISC report. Available at: <http://cogprints.org/4125/>. 2004.
17. Lawal I. Scholarly communication: The use and non-use of e-print archives for the dissemination of scientific information. *Issues in Science and Technology Librarianship* 2002; 36(1): 1-16.
18. Andrew T. Trends in self-posting of research material online by academic staff. Available at: <http://www.ariadne.ac.uk/issue37/andrew>. 2003.
19. Creaser C, Fry J, Greenwood H, Oppenheim C, Probeta S, Spezi V, et al. Authors’ awareness and attitudes toward open access repositories. *New Review of Academic Librarianship* 2010; 16(1): 145-61.

# A Survey Study To Identify Tehran University Of Medical Science Faculties' Member's Familiarities With Open Access Movement And Their Attitude About It

Abdekhoda Mohammadhiwa<sup>1</sup>(MSc.) – Alibeyk Moahmmadreza<sup>2</sup>(MSc.)  
Hossini Agha Fateme<sup>3</sup>(MSc.) – Ravand Saman<sup>4</sup>(MSc.)  
Mohammadi Masoud<sup>5</sup>(MSc.) – Zarie Javad<sup>6</sup>(MSc.)

1 Ph.D Student of Health Information Management, Health Management & Economic Research Center, Iran University of Medical Science, Tehran, Iran

2 Instructor, Library and Information Science Department, School of Health Management and Information Science, Iran University of Medical Science, Tehran, Iran

3 Instructor, Biomedical Statistic Department, School of Health Management and Information Science, Iran University of Medical Science, Tehran, Iran

4 Master of Sciences in Library and Information Science, Islamic Azad University, North of Tehran Branch Center, Tehran, Iran

5 Instructor, Nursing Department, Abadan University of Medical Sciences, Abadan, Iran

6 Ph.D Student of Health Information Management, Health Information Management Department, School of Health Management and Information Science, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

## Abstract

Received : Feb 2013  
Accepted : Nov 2013

**Background and Aim:** Open access to scientific information is a new paradigm in scientific communication that facilitates access to research. This study was carried out to identify Tehran University of medical science faculties members' familiarities with Open access and to survey their attitude about it.

**Materials and Methods:** A descriptive survey method was applied. The study population consisted of 163 members of Tehran University of Medical Sciences. Data gathering tool was questionnaires that its validity and reliability was confirmed. Data was collected and analyzed by SPSS software and descriptive statistic methods.

**Results:** Results show that more than 50 percent of population have modest familiarities with Open access. Furthermore, the faculties' members familiarities with Open access technique was moderate. More than 70 percent (114 person) of them have positive attitude toward Open access and its techniques.

**Conclusion:** Faculties members' familiarity with Open access relatively is low but when they received information about the concept, rules and aim of this paradigm, their attitudes positively changed. Therefore, open access should be considered as a perfect method in scientific communication.

**Key words:** Attitude, Open Access Movement, Scientific Communication, Tehran University of Medical Science Faculties

\* Corresponding

Author:

Abdekhoda M;

E-mail:

Abdekhoda@razi.tums.

ac.ir